

كانت مجموعه من الغزلان في غابة بين الجبال اي از آهوها در جنگلی بين کوه ها و رودها و الأنهر .

في يوم من الأيام هجمت خمسه ذئاب على در روزی از روزها ، پنج گرگ به آهوها حمله کردند . الغزلان .

آهوى اوّل گفت : خدایا ، چه کنیم ؟ الغزال الأول : إلهي ، ماذا نفعل ؟

آهوى دوم گفت : هیج (کاری) نمی توانیم بکنیم الغزال الثاني : لاقدر على شيء .

قالت غزاله صغیره في نفسها : « ما هو الحال ؟ آهوى کوچکی با خودش گفت : « چاره چیست ؟ »

باید فکر کنم . پیروز خواهم شد . على بالتفكير . سانجح .

أتعرفون أنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ ؟ « آيا می دانید که بالای کوه ها جهان دیگری است ؟ و قالت لأمهات الغزلان : « أتَعْرِفُنَّ أَنَّ خَلْفَ وَ بِهِ مَادِرَانَ آهُوهَا گفت : « آيا می دانید که بالای کوه ها جهان دیگری است ؟ الجبال عالما آخر ؟ ! »

فقال الغزال الأول بغضب : « كيف تقولين هذا الكلام ؟ ! » و قال الغزال الثاني : كانك مجنونه . و قال الغزال الثالث : هي تكذب .

و قال الغزال الرابع : أنت تكذبين . و آهوى دومي گفت : « گویا تو دیوانه ای . » و آهوى سومي گفت : « او دروغ می گوید . و آهوى چهارمی گفت : « تو دروغ می گویی . »

قطع رئيس الغزلان كلامهم و قال : « هي لا تكذب ؛ عندما كنت صغيرا ؛ قال لي طائر عاقل :

خلف الجبال عالم آخر و قلت ذلك لرئيسنا لكنه ما قبل كلامي و ضحك . كما تعرفون أنا أطلب صلاحكم دائمًا ؛ فعلينا بالمهجرة . »

عد الجميع الجبل و وجدوا عالماً جديداً و فرحوا كثيراً همگی بالای کوه صعود کردند و جهان جدید و نازه ای یافتند و بسیار شاد شدند .

الفِعْلُ الْمُضَارِعُ (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)



أَيُّهَا الطَّالِبَاتِ، مَاذَا تَفْعَلْنَ؟

نَصْنَعُ بَيْتًا.
: ای دانش آموزان، چه می کنید؟
— خانه ای می سازیم.



أَيُّهَا الرَّجُالُ، أَيْنَ تَذَهَّبُونَ؟
تَذَهَّبُ إِلَى الْحُدُودِ لِلدِّفاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
ای مردان کجا می روید؟
— برای دفاع از وطن می رویم.



أَيُّهَا الْمَرْأَاتِ، إِلَى أَيْنَ تَذَهَّبَانِ؟

تَذَهَّبُ إِلَى عَيْنِ الْمَاءِ.
ای زنان، کجا می روید؟
— به سرچشم می رویم.

أَيُّهَا الزَّمِيلَاتِ، مَتَى تَلْعَبَانِ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ؟

تَلْعَبُ بَعْدَ دِقْيَةٍ.
ای همکلاسی ها، کی تنسیس بازی می کنید؟
سچک دقيقه بعد:
کچک ترجمه کنید.

﴿مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ البقرة ٢١٤

یاری خدا، کی (فرامی رسد)؟ یقیناً یاری خدا نزدیک است.

در گروههای دو نفره مکالمه کنید.

۱. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتُبِينَ) وَاحِدَاتِكَ (واحِدَاتِكَ)؟ کی تکلیف هایت را می نویسی کتب غذا
۲. مَتَى وَصَلَتْ (وَصَلَتِ) إِلَى الْمَدَرَسَةِ؟ کی به مدرسه رسیدی؟ وصلت الان
۳. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِنَ) مِنَ الْمَدَرَسَةِ؟ کی او مدرسه خارج می شوی؟ اخراج بعد ساعه
۴. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) الْجَاهِنَ؟ کی به اینجا بر می گردي؟ ارجع يوم الاحد

- آهو كوجولو بشت كوه ها خانه هاي کشاورزان را ديد.
- فَيَلَ رَئِيسُ الْغَرَالَةِ كَلَمَ الْغَرَالَةِ الصَّغِيرَةِ.
- رَئِيسُ آهْوَانِ سَخْنٍ آهْوَ كَوْجَلُو رَا يَذِيرَفَتْ.
- آهْوَى كَوْچَكْ كَفَتْ (من) بَأْيَدِي بِينْدِيْسْ.
- سَأَلَتِ الْغَرَالَةُ الْهُدَهُدَ أَوَّلَ مَرَةً.
- آهْوَ نَخْسِتِينَ بَارَ ازْ هَدَهُدَ پِرْسِيدَ.
- كَانَ عَدَدُ الْذَّنَابِ خَمْسَيَّهَ.

گرگ ها پنج (قلاده) بودند

التَّمْرِينُ الثَّانِي

بخوانيد و ترجمه کنيد.

۱. «لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكِلُونَ» المؤمنون ۱۹

(ودر آن باع ها) برای شما میوه های فراوانی است و از آن می خورید.

۸۲

۲. «قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِإِلَهِنَا» الأنبياء ۵۹

(کاهنان معبد نمرود) گفتند چه کسی این (کار) را با خدایان ما کرد؟

۳. «وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» الكهف ۷۹

وبورود گار تو به هیچ کسی ستم نمی کند.

۴. «إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا» الأخرف ۳

الله ما آن را قرآنی به (زبان) عربی نازل کردیم

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أَخْتَكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلًا.

تو زبان عربی را خوب می شناسی ولی خواهرت مانند تو نمی شناسد

۲. زَمِيلُكَ لَيْسَ مَلَابِسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذا أَنْتَ لَا تَلْبِسُ؟

همکلاسی تو لباس پاییزه پوشید پس تو چرا نبوشیدی؟

۳. أَفَتِ شَعْرُتْ بِالْحُزْنِ أَمِّسِ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمِ.

تو دیروز احساس اندوه کردی ولی امروز احساس شادی می کنی

۴. أَتَا أَشْعُرُ بِالصَّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

من سر درد دارم؛ به زودی به درمانگاه خواهم رفت.

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید.

می خندم	أَضْحَكُ	خندیدم	ضَحِّكْتُ
می اندازی	تَقْذِيفَةً	انداختی	قَذْفَةً
نمی بُرد	لَا تَقْطَعُ	می بُرد	تَقْطَعُ
پوشیدند	لَبِسْتُمْ	می پوشید	تَلْبَسُونَ
نمی پذیرید	لَا تَقْبَلَانِ	می پذیرید	تَقْبَلَانِ

یاری نمی کنی	لَا تَنْصُرُ	یاری می کنی	تَنْصُرُ
نزدیک می شود	يَقْرُبُ	نزدیک شد	قَرْبَ
فرمانروایی می کنیم	نَمْلِكُ	فرمانروایی کردیم	مَلَكْنَا
خواهد شست	سَتْغْسلُنَّ	شستید	غَسْلُتُنَّ
خواهد فهمید	سَوْفَ يَفْهَمُ	می فهمد	يَفْهَمُ

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

در خانه های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

- | | | | | | | | | |
|----|---|---|----|---|---|---|----|---|
| ١٤ | ١ | ٩ | ١٣ | ٢ | ٧ | ٣ | ١٢ | ٥ |
|----|---|---|----|---|---|---|----|---|
- آنها / صداقت / عداوة / جَعَلُوا / تَقْذِيفَ / رياضي / تَكْذِيبَنِ / حمامه / غاليه / طالبه / خوانچه / ملکوه / أَقْمَاءُ / أَعْلَمُ / فناديق / عصفور / ظافقة / منضدة / تقاعده / والده / سالتكه / سَمَكَايَه / شهرین / ١٠

گُنْزُ الْحَكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

إِنَّ الْحَسَدَ يَا كُلُّ الْحَسَنَاتِ كَمَا يَا كُلُّ التَّارِ الْحَظَبَ.
رسول الله ﷺ « به یقین حسد نیکی ها را می خورد چنان که آتش هیزم را می خورد . »

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ.
رسول الله ﷺ « (حفظ) امانت، روزی را به همراه دارد و خیانت فقر و نداری می آورد . »

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ.
رسول الله ﷺ « قطعاً خداوند زیاست و زیبایی (ظاهری و باطنی) را دوست دارد . »

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.
الإمام علي علیه السلام « تیاه ساختن (واز دست دادن) فرصت غم و غصه است

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ.
الإمام علي علیه السلام « الله نیازهای مردم به سوی شما ، نعمتی است از جانب خداوند . »

لـ ۸۰